

بررسی جنایات داعش در خاورمیانه از منظر حقوق جزای بین الملل

نام و نام خانوادگی نویسنده: میثم طاهری

ایمیل: www.nei.san@yahoo.com

چکیده:

گروه دولت اسلامی موسوم به داعش توسط چند کشور به منظور رسیدن به اهداف خاص و احاطه بر منطقه و مخدوش کردن چهره اسلام و اسلاميون بنیان گذاشته شد. گروه تروریستی داعش با پشتوانه مالی، تسلیحاتی و نظامی و... را از اهداف مدنظر کارگردانان سیاسی فراتر نهاد و نتنها در منطقه خاورمیانه دست به مجموعه جنایات بین المللی زد بلکه تمامی کشورهای جهان را در وحشت فرو برد. در پژوهش موجود برآنیم تا به تفکیک به نقش دیوان بین المللی کیفری (ICC) در مبارزه و محاکمه پدیده موجود جهانی و امثال آن، و حامیان اینگونه گروهها را مورد بررسی قرار گیرد؛ و نقش حامیان و پرورش دهندگان اینگونه گروههای تروریستی را از منظر دیوان بین المللی سازمان ملل مورد بررسی قرار داد به گونه ای که مجازات پیش بینی شده فقط برای مرتکبین مستقیم جنایات نباشد بلکه مسببین اصلی این جنایات یعنی هدایت گران و کشورهای حامی آنها هستند را نیز دربرگیرد.

واژگان کلیدی:

گروه تروریستی، داعش، دیوان کیفری بین الملل، مسئولیت بین المللی

مقدمه:

گروه داعش یا گروه دولت اسلامی یک سازمان تروریستی است که به منظور ایجاد حکومت در منطقه در کشورهای سوریه و عراق دست به عملیات های تروریستی و جنایات بین المللی میزند و باعث کشتار مردم و تخریب این دو کشور میگردد؛ ولی از آنجایی که هیچ دولتی این گروه تروریستی یعنی داعش را به رسمیت نشناخته از این رو این گروه در رسیدن به هدف خود باز مانده است؛ از طرف دیگر از جانب شورای امنیت سازمان ملل نیز به دلیل گروه تروریستی خوانده شدن کمی از اهدافش به عقب رانده شده است. از آنجایی که وجود گروهی تروریستی به مانند داعش نه تنها برای دو کشور عراق و سوریه و منطقه خاورمیانه بلکه برای کل جهان مخرب و خطرناک است میبایست علاوه بر دولت و حکومت دو کشور که پایگاه این گروه است کل جهان برای نابودی این چنین گروههایی پیش قدم شده و برای ریشه کن کردن آن بکوشند و تدابیر را به گونه ای بررسی کنند که دیگر در هیچ نقطه جهان شاهد شکل گیری هیچ گروه تروریستی با هیچ هدف و منفعتی نباشند زیرا تبدیل و به رسمیت شناختن چنین گروههایی به حکومت و دولت یعنی تهدید دائمی برای جهان به مانند آتشفشانی خاموش که هر آن امکان فوران آن وجود دارد.

روش تحقیق:

پژوهش حاضر از نوع توصیفی و تحلیلی می باشد. با این توضیح که ابتدا جنایات گروه تروریستی داعش در دیوان بین الملل کیفری مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته و سپس با توجه به مطرح بودن نقش پررنگ حامیان و بوجود آورندگان تروریسم در مجامع بین المللی این موضوعات مورد تحقیق قرار می گیرد.

یافته ها:

گروه دولت اسلامی عراق و شام موسوم به داعش که به منظور تشکیل دولت و حکومت در خاورمیانه وجود آمد برای به رخ کشیدن قدرت خود و ایجاد واژه در جوامع بین المللی اقدام به مجموعه جنایاتی در منطقه خاورمیانه زد تا از آن به عنوان اهرمی به منظور ترغیب جوامع بین المللی به رسمیت شناختن خود استفاده کند ولی ناگزیر پا را فراتر گذاشت و برخی اقدامات برنامه ریزی شده ای را که در دیوان بین المللی کیفری جرم انگاری شده را انجام داد تا با این عمل هم عملاً ضعف دیوان را نشان دهد و جلوی آن بایستد و هم ناگزیر به حامیان خود پشت کند بدون آنکه کشورهای حامی تروریسم عمق عمل آنها را درک کنند؛ حال به ترتیب اعمال صورت گرفته را مورد بررسی قرار میدهیم

الف - جنایت نسل کشی:

منظور از نسل کشی عبارت است از اعمال مشخص شده (ماده ۶) که به قصد نابود کردن تمام یا قسمتی از یک گروه ملی، قومی، نژادی یا مذهبی انجام می پذیرند. این گروه از جرایم می توانند هم توسط مقامات دولتی و هم توسط افراد غیر دولتی چه در زمان صلح و چه در زمان یک مخاصمه مسلحانه بین المللی یا غیر بین المللی ارتکاب یابند. بنابراین جرم نسل کشی زمانی بوجود می آید که شخص یکی از اعمال مقرر در ماده ۶ اساسنامه را مرتکب گردد. البته شرط اساسی این جرم همان قصد مندرج در ماده ۶ یعنی «به قصد نابود کردن» می باشد. که در واقع عنصر معنوی جرم را تشکیل می دهد و در صورت فقدان این شرط این عمل ممکن است جزء جرایم علیه بشریت یا جرایم جنگی قلمداد شوند. یکی از دیگر ویژگی های این جرم این است که برای وقوع جرم ژنوسید حتما وجود یک سیاست دولتی یا سازمانی شرط نمی باشد. برای تحقق جنایات نسل کشی وجود عناصر نابودی تمام یا بخشی از یک گروه، قصد و انجام اعمال ممنوعه در ماده ۱۶ اساسنامه لازم است. یک نکته در خصوص جنایات نسل کشی این است که تعریف آن از تعریف ماده ۲ کنوانسیون ۱۹۴۸ نسل کشی تبعیت می نماید.

با توجه به تعریف ارائه شده به چند مورد از نسل کشی گروه تروریستی داعش میتوان به کشتار ایزدی های کردستان عراق، کشتار دسته جمعی شیعیان مسلمان عراق، کشتار سنی های عراق و... بخاطر مذهب آنها اشاره کرد.

ب - جنایات علیه بشریت:

در تعریف این دسته از جنایات بیان شده است: «هریک از اعمال مشخص شده در بند ۱ ماده ۷ اساسنامه است که در قالب حمله ای گسترده یا سازمان یافته علیه یک جمعیت غیر نظامی و با علم به آن حمله ارتکاب می یابند. حمله گسترده و سازمان یافته شامل رفتاری می شود که علیه هر جمعیت غیر نظامی در تعقیب یا پیشبرد سیاست یک دولت یا یک سازمان انجام می گیرد.

جرایم علیه بشریت از زمان عهد نامه ورسای شناخته شده‌اند، اما زمان تبلور مشخص آن در اساسنامه دادگاه نورنبرگ بود. البته تاکنون
جرایم علیه بشریت در یک سند چند جانبه به طور مشخص نیامده است. با وجود این برخی مواد آن در اساسنامه‌های دادگاه‌های کیفری
بین‌المللی برای یوگسلاوی سابق و رواندا دیده می‌شود. (به ترتیب در مواد ۳ و ۵ اساس نامه‌های مذکور) همچنین در اساسنامه دیوان
اختصاصی سیرالئون جنایت علیه بشریت مد نظر قرار گرفته است. (ماده ۲) به

هر حال اجزاء متغیر جنایت علیه بشریت قبل از ایجاد اساسنامه در تحولات بین‌المللی حقوقی عرفی و حقوق قراردادی شکل گرفته است.

سه عامل وقوع حمله علیه جمعیت غیر نظامی، گستردگی یا سازمان یافتگی حمله و علم به حمله برای تحقق جنایات علیه بشریت
ضروری است.

جرایم علیه بشریت هم می‌توانند در زمان صلح و هم در زمان یک مخاصمه مسلحانه بوقوع بپیوندند. این مخاصمه می‌تواند بین‌المللی یا
غیر بین‌المللی باشد بعلاوه هم می‌تواند توسط نیروهای دولتی و یا توسط منابع غیر دولتی ارتکاب یابد.

با توجه به توضیحات ایراد شده در مورد جنایت علیه بشریت از آنجایی که گروه داعش هر سه شرط تحقق جنایت علیه بشریت یعنی
حمله علیه جمعیت غیر نظامی که به ندرت در شهرهای فلوجه و... صورت موجب کشته شدن و آواره شدن تعداد زیادی از غیرنظامیان شده
است؛ در مورد گسترده بودن و سازمان یافته بودن حمله که شرط دوم است نیز باید گفت گروه تروریستی داعش به صورت گسترده با
نیروهای شبه نظامی خود به منظور تصرف برخی شهرهای عراق و سوریه مثل فلوجه و تدمیر و... اقدام به کشتار و آواره کردن اهالی غیر
نظامی منطقه شده است؛ و در مورد شرط سوم که علم به حمله برای تحقق جنایت علیه بشریت وجود داشته باشد نیز باید گفت بدون
وجود علم به اینکه کشتار مردم، آواره کردن مردم، تخریب مکانهای مذهبی و تاریخی یک کشور و... که هر کدام از این شرایط برای اثبات علم
کافی است نمیتواند بدون علم و آگاهی صورت گیرد.

از جمله رفتارهایی که توسط این گروه تروریستی صورت گرفته میتوان به قتل، ریشه کن کردن به بردگی بردن و تمام مواردی که در ماده
هفت اساسنامه دیوان بین‌المللی آمده است؛

پس با توضیحات ذکر شده میتوان جنایت علی بشریت را نیز به گروه تروریستی داعش نسبت داد.

پ-جنایات جنگی:

جنایات جنگی دیوان نسبت به جنایات جنگی صلاحیت دارد به ویژه هنگامی که در قالب یک برنامه یا سیاست عمومی یا در قالب ارتکاب گسترده چنین جرائمی صورت گرفته باشد. منظور از جنایات جنگی در این اساسنامه موارد ذیل است: نقضهای فاحش کنوانسیون های ۱۲ اوت ۱۹۴۹ ژنو، یعنی هر یک از اعمال مشروحه ذیل بر ضد اشخاص یا دارائیهایی که تحت حمایت مقررات کنوانسیون مربوطه ژنو قرار گرفته اند: کشتار عمدی؛ شکنجه یا رفتار غیر انسانی، از جمله آزمایشهای زیست شناختی؛ فراهم آوردن موجبات رنج عظیم یا صدمه شدید به جسم یا سلامتی؛ تخریب و ضبط گسترده اموال که ضرورتی نظامی آن را توجیه نمی کند و به صورت غیرقانونی و خودسرانه اجرا شده است؛ اجبار اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت [کنوانسیون] به خدمت در صفوف نیروهای دولت دشمن؛ محروم کردن عمدی اسرای جنگی یا دیگر اشخاص مشمول حمایت از حق محاکمه عادلانه و قانونی؛ تبعید یا انتقال غیرقانونی یا حبس غیرقانونی؛ گروگان

گیری (۴) محترم شمردن حق حیات، کرامت، حقوق فردی و باورهای رزمندگانی که به اسارت در آمده اند و نیز غیرنظامیان تحت سلطه دشمن (۵). تضمینات قضایی اساسی برای تمام افراد

(۶) عدم برخورداری طرفین درگیری و اعضای نیروهای مسلح آن ها از اختیار نامحدود در بکارگیری شیوه های جنگی که ماهیتاً تلفات غیرضروری یا رنج بیش از حد به جای می گذارند.

(۷) طرفین درگیری همواره باید میان افراد غیرنظامی و رزمندگان تمایز قایل شوند تا به اموال و افراد غیرنظامی آسیبی نرسد. سکنه غیرنظامی و افراد عادی نباید هدف حمله قرار گیرند و ...

نکته قابل تامل در توضیحات مطروحه در مورد جنایات داعش این است که گروه تروریستی داعش جنایات خود را به گونه ای انجام میدهد که گویی اساسنامه دیوان کیفری بین المللی را در دست گرفته و تمام مواردی را که در آن به عنوان شروط تحقق جنایات موجود است را انجام می دهد. همانگونه که اشاره شد این عمل گروه داعش پشت دستی بر دهان برخی حامیان غربی خود است خود از بنیان گذاران دیوان بین المللی کیفری هستند؛ حامیانی که به منظور سیطره بر منطقه و ایجاد چهره زشت از اسلام اینگونه گروهی را بنیان

نهادهن و همواره از آن حمایت میکنند بدون آنکه به این نکته توجه کنند که گروههای افراطی همچون داعش ممکن است به شکل های مختلف در خاک آنها طرفدار و دنباله رو پیدا کند که نمونه های آن را در بمب گذاری های ماه های اخیر اروپا و آمریکا ملاحظه کردیم.

حمایتی که برخی از کشورها از گروه داعش انجام میدهند را میتوان به دو دوره تقسیم کرد:

الف) دوره بنیانگذاری گروه داعش، که در این دوران تمامی هزینه های تسلیحاتی، نظامی، و... را به منظور هدایت و هجوم به خاورانه

انجام شد

ب) دوره ترس و واهمه، که کشورهای حامی داعش از بیم آنکه گروه دست آموز آنها را تهدید نکند و به خود آنها هجوم نیاورد مجبور به ادامه حمایت خود شد.

بحث و نتیجه گیری:

جنايات صورت گرفته توسط گروه دولت اسلامی شام و عراق موسوم به داعش که در توضیحات مطروحه مکررا تاکید شد که به گونه ای توسط برخی کشورها به منظور سیطره بر منطقه خاورمیانه و اسلام زدایی پایه گذاری شده است این بحث مورد بررسی قرار گرفت که گروه داعش طبق اساسنامه و مستندات موجود میبایست بخاطر جنایات ارتكابی در اساسنامه مورد محام و مجازات قرار گیرد و رسیدن به این مهم امکان پذیر نیست مگر آنکه کشورهای جهان متحد و همسو برای ریشه کن کردن

این گروه و گروه های مشابه آن اقدام کنند و جلوی رشد اینچنین گروهایی در جهان گرفته شود.

نکته حائز اهمیت این است که چگونه ممکن است نقش کشورهایی که مسبب تشکیل اینگونه گروهها هستند نادیده گرفته

شود، کشورهایی که با هزینه های خود این گروهها را پایه گذاری کرده اند و با کمک های مالی خود به ادامه فعالیت آن جان میدهند.

به نظر میرسد برعکس تمامی محاکمه ها و ریشه کن کردن تروریسم که نوعی پاک کردن صورت مساله است باید به گونه ای دیگر رفتار

کرد و آن به این شکل که کشورهای حامی تروریسم را که تضمینی برعدم تکرار اشتباه آنها وجود ندارد را شناسایی کرد و در کنار این

گروه های تروریستی محاکمه و مجازات کرد زیرا اگر خواست آنها نبود گروهی با قدرت و ظالمی داعش گونه وجود نمی آمد.